

مبانی و قواعد تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای

----- حمیده ضیایی* و احترام‌السادات موسوی‌زاده**

چکیده

یکی از حوزه‌های پژوهشی در تفسیر قرآن، بررسی مبانی و قواعد تفسیری است. مبانی تفسیری گاهی از سنخ صدوری و گاهی از سنخ دلالتی‌اند. قواعد تفسیر نیز قوانین و ضوابط کلی به شمار می‌آیند که به‌عنوان کبرای کلی در استنباط معارف قرآنی به کار گرفته می‌شوند و در مقام تطبیق بر مصادیق جزئی مورد استفاده قرار می‌گیرند. پژوهش حاضر به این موضوع پرداخته است زیرا شخصیت علمی مفسر مورد نظر، آیت‌الله خامنه‌ای، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی، به تبیین مبانی و قواعد تفسیری ایشان می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که حجیت ظواهر قرآن در تفسیر ایشان جایگاه برجسته‌ای دارد. از جمله برجسته‌ترین مبانی تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان به امکان و جواز فهم تفسیر قرآن، حجیت ظواهر قرآن، توقیفی‌بودن چینش آیات، توجه به غرض کلی سوره و دسته‌بندی آیات، امکان استعمال لفظ در بیش از یک معنا، حجیت قرائات، قواعد منع تفسیر به رأی، تأویل، جری و تطبیق و سیاق اشاره کرد.

واژگان کلیدی: تفسیر، مبانی، قواعد، مبانی تفسیری، قواعد تفسیری، تأویل، آیت‌الله خامنه‌ای.

۵۹

قرآن پژوهی

سال سوم / شماره ۹ / پاییز ۱۴۰۲

* طلبه سطح سه، رشته تفسیر، حوزه علمیه فاطمه الزهرا (ع.ا.س) خوراسگان اصفهان، ایران؛

(hamideh.ziaei.4398@gmail.com).

** سطح چهار تفسیر تطبیقی و استاد سطوح عالی حوزه و دانشگاه، اصفهان، ایران؛

(saaban.mosavi@gmail.com).

مقدمه

قرآن مجید یگانه کتابی است که از تحریف مصون مانده و جامع‌ترین و استوارترین آموزه‌های وحیانی را در اختیار بشر قرار می‌دهد. دستیابی صحیح و روشمند به آموزه‌های این کتاب آسمانی، به‌ویژه با توجه به بیان دقیق و خارق‌العاده آن، روش‌شناسی خاص خود را می‌طلبد. شناخت لغزشگاه‌ها و پیشگیری از تحریف معنوی و برداشت‌های سطحی از این کتاب گرانسنگ، به تعریف دقیق مبانی و روش‌های تفسیر بستگی دارد. از این رو، ضروری است که محققان در این زمینه پژوهش کنند.

از آنجا که در ذهن هر علاقه‌مندی این پرسش‌ها مطرح می‌شود که مبانی تفسیری چیست، قواعد تفسیر کدام‌اند و این مبانی و قواعد در تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای چگونه‌اند، پژوهش حاضر به این موضوع می‌پردازد. بخش عظیمی از مفاهیم قرآن از طریق تفسیر قابل کشف و استخراج است و مبانی‌شناسی تفسیر قرآن از موضوعات مهم مطالعات قرآنی به‌شمار می‌رود. تعبیر «مبانی تفسیری» مستقیماً به شناخت انگیزه‌ها و هدف‌های مفسر مربوط می‌شود و تا زمانی که این مبانی برای مراجعه‌کننده روشن نباشد، بهره‌گیری وافی از تفسیر امکان‌پذیر نخواهد بود.

هر مفسری برای بیان تفسیر خویش از روش‌هایی بهره می‌برد تا مراد کلام الهی را برای مخاطب روشن‌تر کند. در پس این روش‌های کاربردی، اصول فکری مفسر قرار دارد. این مقاله در پی پاسخ به پرسش چیستی مبانی و قواعد تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای است و آن‌ها را با توجه به عناوین مطرح‌شده در منابع مرتبط، در لابه‌لای متون تفسیری و بیانات ایشان جست‌وجو و تحلیل کرده است. در بخش پیشینه پژوهش، منابعی چون کتاب «مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر سوره توبه» (نسیم انقلاب، وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳) که به‌طور گذرا به مبانی و گرایش تفسیری ایشان پرداخته است؛ همچنین پایان‌نامه «روش تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» (خواجه، ۱۳۹۴) که روش تفسیری ایشان را بررسی کرده، و پایان‌نامه «بررسی اجمالی بر مبانی و قواعد و روش‌های تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای» (مهدی، ۱۴۰۱) که برگرفته از همان کتاب است، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

از آنجا که در این زمینه به‌طور خاص و جامع پژوهشی تدوین نشده است و منابع پیشین نیز

بیشتر به صورت گذرا و گاه مجمل به موضوع پرداخته‌اند، در مقاله حاضر تلاش شده است مبانی و قواعد تفسیری برگرفته از تفاسیر و سخنرانی‌های ایشان گردآوری و تحلیل شود. امید است این پژوهش، جامعه علمی را در بهره‌مندی بهتر از دیدگاه‌های ایشان در تفسیر قرآن یاری رساند.

۱. مفهوم‌شناسی

الف. تفسیر

تفسیر، مصدر باب تفعیل از ماده «فَسَّرَ» است (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۲۶). در لغت، «فَسَّرَ» به معنای «بیان» (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۲۶۱) و «بیان کردن و توضیح دادن شیء» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۵۰۴) آمده است. تفسیر قرآن دانشی مستقل است که، مانند هر دانش دیگری، شامل مباحث مقدماتی مانند تعریف، هدف، مبانی و روش می‌باشد.

ب. مبانی تفسیر

«مبانی تفسیر یعنی مبادی تصویری و تصدیقی تفسیر که آگاهی از آن‌ها در تعریف و انتخاب مبنا پیش از آغاز تفسیر برای مفسر ضروری است. این مبانی شامل مباحثی مانند مفهوم‌شناسی تفسیر، تأویل و بطن، منابع و شرایط مفسر، پیش‌فرض‌ها و ضوابط تفسیر معتبر است» (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳، ص ۱۷؛ مؤدب، ۱۳۸۶، ص ۲۴).

مفسران پیش از آغاز یا هم‌زمان با شروع تفسیر به تحلیل مقدمات و مبانی تفسیر خود می‌پردازند. انتخاب و گزینش هر مبنای تفسیری به انتخاب روش و قواعد خاصی منتهی می‌شود؛ به همین دلیل، مفسران اغلب بر اساس دیدگاه و مبانی خود، روش‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرند.

بررسی سلسله جلسات تفسیری مقام رهبری نشان می‌دهد که گرایش تفسیری ایشان عمدتاً اجتماعی و سیاسی است و روش تفسیری ایشان «روش اجتهادی جامع» می‌باشد. در چهارچوب این روش اجتهادی، از آیات قرآن کریم، روایات، عقل و تاریخ به‌عنوان منابع و مراجع قابل اعتماد بهره گرفته‌اند (خواجه، ۱۳۹۴، ص ۲۰۲).

تعریف منتخب مبانی تفسیر: مجموعه‌ای از زیرساخت‌ها و اصول بنیادین که هر نوع موضع‌گیری در خصوص آن، موجودیت و اعتبار تفسیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مبانی تفسیر گاهی صدوری است، مانند: الهی بودن متن قرآن، تحریف‌ناپذیری قرآن و قرائت واحد. گاهی نیز دلالتی و مربوط به

حوزه دلالت و فهم است، مانند: حجیت ظواهر قرآن، جواز و امکان تفسیر، استقلال دلالتی قرآن، ذوبطون بودن قرآن و ساختار چندمعنایی آن.

ج. معنای قواعد تفسیر

قواعد، جمع قاعده است. واژه قاعده در زبان عربی و فارسی معانی و کاربردهای متعددی دارد (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۱۳۵۲۴-۱۵۳۲۵). یکی از معانی آن «پایه و اساس» است (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۳۹). خلیل بن فارس و فیومی نیز «قواعد البیت» را به معنای پایه‌های خانه دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۵۰۲؛ ابن فارس، ۱۳۸۷، ص ۸۲۸). در قرآن کریم نیز این کلمه به همین معنا به کار رفته است: «وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ...» (بقره، ۱۲۷). طبرسی در ذیل این آیه بیان کرده است: قواعد به معنای اساس و ارکان است و مفرد آن «قاعده» می‌باشد. معنای اصلی قاعده در لغت، ثبوت و استقرار است؛ مانند قاعده کوه (ریشه کوه) یا قاعده خانه (پایه و اساس خانه).

در اصطلاح، برخی لغت‌دانان گفته‌اند: قاعده به معنای «ضابطه» است و عبارت است از «امری کلی که بر همه جزئیات انطباق می‌یابد». برخی فقها در تعریف قواعد فقهی گفته‌اند: قواعد فقهی، احکام عامی هستند که در ابواب مختلف فقه جاری می‌شوند. ویژگی «کلی بودن» در این تعریف‌ها ذکر شده و نشان‌دهنده اتفاق نظر پیشینیان و معاصران درباره این ویژگی است (بابائی، ۱۳۹۴، ص ۱۴).

«قواعد تفسیر» عنوانی مرکب است و ممکن است معانی مختلفی از آن ارائه شود؛ به همین دلیل، تعاریف گوناگونی برای آن ذکر شده است. برای نمونه: فاکر میبیدی می‌نویسد: «قواعد تفسیر قضایای کلی‌ای هستند که استنباط معانی قرآن با آن‌ها صورت می‌گیرد» (فاکر میبیدی، ۱۴۲۸، ص ۳۳). برخی گفته‌اند: «قواعد تفسیر احکام کلیه‌ای هستند که به وسیله آن‌ها، استنباط معانی قرآن کریم و شناخت چگونگی استفاده از آن احکام حاصل می‌شود» (سبت، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۳۰).

تعریف منتخب: قواعد تفسیر، دستورالعمل‌های کلی مبتنی بر مبانی متقن عقلی، نقلی و عقلایی هستند که با رعایت آن‌ها، تفسیر ضابطه‌مند می‌شود و خطا در فهم معنا و مراد آیات کاهش می‌یابد. منظور از این قواعد، قوانین و ضوابط کلی است که واسطه استنباط معارف از آیات قرآن

می‌شود و در واقع، کبری کلی‌ای است که هنگام تفسیر بر امور جزئی تطبیق داده می‌شود؛ مانند قاعده سیاق، قاعده جری و تطبیق، قاعده ارجاع مشابهاً به محکّمات و

د. آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای تحصیل را در چهار سالگی از مکتب‌خانه و با فراگیری قرآن کریم آغاز کردند. هم‌زمان با تحصیل در کلاس پنجم دبستان، به تحصیلات مقدماتی حوزوی نیز پرداختند. ایشان در سال ۱۳۳۴ در درس خارج فقه آیت‌الله محمدهادی میلانی حاضر شدند. در سال ۱۳۳۶ به همراه خانواده، طی سفری کوتاه به نجف اشرف مشرف شدند و در دروس مدرسان برجسته حوزه علمیه نجف، از جمله آیات عظام سیدمحسن حکیم، سیدابوالقاسم خویی و میرزاحسن بجنوردی، حضور یافتند؛ اما به دلیل عدم تمایل پدرشان برای اقامت در نجف، به مشهد بازگشتند.

در سال ۱۳۳۷ عازم حوزه علمیه قم شدند و نزد اساتیدی چون آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی، امام خمینی، محقق داماد و علامه طباطبایی به تحصیل پرداختند و بیشتر وقت خود را صرف تحقیق، مطالعه و تدریس کردند. در سال ۱۳۴۳، به دلیل بیماری پدرشان به مشهد بازگشتند و تا سال ۱۳۴۹ در درس آیت‌الله میلانی شرکت کردند.

ایشان با هدف آشنا کردن مخاطبین با مفاهیم قرآن و استنباط مبانی انقلاب از آن، دروس تفسیر خود را از سال ۱۳۴۳ آغاز کردند. همچنین، ضرورت بازگشت به قرآن و وجود مبانی علوم انسانی در قرآن را از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در انتخاب این مسیر دانسته‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند قرآن کریم کامل‌ترین و موفق‌ترین منبع استنباط است (خواجه، ۱۳۹۲، صص ۴۹-۵۴).

۲. مبانی تفسیری

الف. امکان و جواز فهم و تفسیر قرآن

از مبانی اساسی و پیش‌فرض‌های تفسیر قرآن، امکان و جواز تفسیر آن است؛ زیرا اگر این اصل پذیرفته نشود، دلیلی برای تفسیر قرآن باقی نمی‌ماند. این مبنا به‌ویژه از این جهت اهمیت بیشتری دارد که برخی، به عدم امکان یا عدم جواز فهم و تفسیر قرآن باور داشته‌اند و برای این ادعا به ظاهر برخی روایات استناد کرده‌اند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، صص ۱۳۴-۱۴۶).

تردیدی نیست که مبنای مفسر بزرگوار در این تفسیر، امکان و جواز فهم و تفسیر قرآن است؛ چرا که روش این تفسیر، شیوه اجتهادی و عقلی است و این، پیش فرض مسلم آن است (نسیم انقلاب، ۱۳۹۳، ص ۲۹). در زمینه فهم قرآن، رهبر انقلاب تعبیر «نور» را به کار برده و فرموده‌اند: «مگر می‌شود نور هیچ نوردهی نتواند بکند؟ فهم قرآن اگر امکان نداشته باشد، پس نورانیت قرآن کجاست؟» (مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی، ۱۴۰۱، ص ۱۱۵).

ایشان تأکید کرده‌اند که برای آنکه قرآن در هدایت فکر و عمل انسان‌ها قدرت و چیرگی خود را نشان دهد، لازم است خود به چشمه جوشان معارف و هدایت قرآن دست یابیم، آن را بفهمیم، در آن تدبر کنیم، آن را محور بحث و بررسی قرار دهیم و در اعماق آن غور کنیم. رهبر انقلاب در پیامی به گردهمایی دبیران دروس دینی دبیرستان‌های استان تهران (۲۰ مهر ۱۳۶۸) می‌فرماید: «واقعیت تلخ این است که هنوز در جامعه ما یک امر عمومی نشده است. همه به قرآن عشق می‌ورزند و احترام می‌گذارند؛ اما عده کمی آن را تلاوت و عده کمتری در آن تدبر می‌کنند.» (امام خامنه‌ای، پیام به گردهمایی دبیران دروس دینی دبیرستان‌های استان تهران، ۱۳۶۸/۰۷/۲۰، khl.ink/f/۲۲۰۲).

البته، منظور از فهم عمومی قرآن این نیست که بدون مقدمات لازم بتوان قرآن را فهمید؛ چنین چیزی ممکن نیست. مقصود این است که اگر کسی مقدمات لازم را، مانند آشنایی با زبان عربی و زبان محاوره‌ای قرآن، فراهم کند، فهم قرآن برای او حاصل می‌شود. رهبر انقلاب می‌فرماید: «اگر انسان لغت عربی را بلد باشد و آنچه را هم که بلد نیست به ترجمه مراجعه کند و در همان تدبر کند، دو بار، سه بار، پنج بار که بخواند، انسان فهم و انشراح ذهنی نسبت به مضمون آن پیدا می‌کند که با بیان دیگری حاصل نمی‌شود؛ بیشتر با تدبر حاصل می‌شود؛ آن را تجربه کنید.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۷/۱۷، khl.ink/f/۳۳۱۳۰۱۷/۰۷/۱۳۸۴).

ب. حجیت ظواهر قرآن و توجه به آن در تفسیر

«از دیگر مبانی تفسیری که مورد قبول عموم مفسران نیز هست، حجیت ظواهر قرآن می‌باشد. این مبنا خود مبتنی بر مبنای پیشین است. بی‌تردید پابندی به ظواهر قرآن بر حسب متفاهم عرفی - آنجا که قرینه‌ای برخلاف آن وجود نداشته باشد - افزون بر اینکه فهم و تفسیری ضابطه‌مند را ارائه می‌دهد، از بهترین و استوارترین دلایل بر داوری بین دیدگاه‌های تفسیری است. ایشان، ظاهر آیه را

مقدم بر مفاد روایت می‌کنند. بنابراین اگر در جایی روایات توضیح‌دهنده باشند، به تفسیر کمک می‌کنند. اما در مواردی که نوعی تعارض بین ظاهر آیه و روایت هست، می‌بینیم که ایشان ظاهر آیه را بر مفاد روایات مقدم می‌کنند. این، نمودی بر اصل بودن قرآن است که یک معیار مهم در فهم قرآن محسوب می‌شود.

مفسر بزرگوار، در تفسیر آیه ۶۰ سوره توبه، بر حجیت ظواهر قرآن تأکید کرده‌اند: «آیه یک ظهوری دارد، یک مطلب ظاهری از آیه استفاده می‌شود به حسب تفاهم عرف، ما باید اول آن را به دست آوریم و اگر از آن چیزی نفهمیدیم، باید به روایاتی که در ذیل آیه است، رجوع کنیم تا معنای آیه برای ما روشن شود.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۳۱۵).

همچنین در تفسیر آیه ۶۴ سوره توبه، که آراء تفسیری متفاوتی مطرح گردیده، با تأکید بر ظاهر آیه، دیدگاه‌های ناپایدار را نقد کرده و دیدگاهی را ارائه و تقویت می‌کنند که مبتنی بر ظواهر آیه است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۳۶۳).

مفسر بزرگوار ذیل آیه ۷۱ تصریح کرده‌اند که: «ما باید به ظواهر کلام خداوند احترام بگذاریم و به سلیقه خود قیدی اضافه نکنیم.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۴۳۲).

در تفسیر آیه ۷۲ نیز، مراد از نعمت‌های مطرح در آیه را نعمت‌های ظاهری دانسته‌اند، نه روحی، و دلیل آن را ظاهر آیات معرفی کرده‌اند؛ ظاهری که با استناد به آن، سخن مفسران را به نقد می‌کشند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۴۳۹).

ج. توقیفی و حکیمانه بودن چینش آیات

«از مسائل علوم قرآنی که در مباحث تفسیری نیز تأثیرگذار است، بحث چینش توقیفی آیات در سوره‌ها می‌باشد. مشهور محققان بر این باورند که چینش آیات قرآن توقیفی است؛ یعنی خداوند خود آیات را با نظم کنونی در هر سوره نازل فرموده یا در موارد معدودی، به فرمان پیامبر ﷺ، آیه‌ای در سوره‌ای خاص قرار داده شده است. بنابراین، مسلمانان در تنظیم آیات نقشی نداشته‌اند.

در این نگاه، سخن از تفسیر ساختارگرایانه است که طبیعتاً به توقیفی بودن لفظ و معنا و هندسه آیات کریمه معتقد است و آن را حکیمانه می‌داند. مقام معظم رهبری در تفسیر سوره براءت به حکمت‌آمیز بودن تقدیم‌ها و تأخیرها اشاره کرده و می‌فرمایند: «تقدیم و تأخر در کلام بشر، در جایی

که همه یکسان باشند، لزوماً مفید معنای خاصی نیست؛ اما چون کلام، کلام خداست، هر کیفیتی از تعبیر و هر لفظ خاص در هر شیوه بیان، حاوی نکته‌ای و حاکی از مطلبی و اشاره به امری است و خصوصیتی دارد. همچنین اگر خداوند در باره دو امر سخن گفته و یکی را مقدم کرده، آنچه را جلوتر آورده، مزیتی داشته که به آن جهت مقدم شده است.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۳۱۴).

به خوبی روشن است که این مبنا، آثار و نتایجی را در بر دارد که از جمله آنها، حکیمانه بودن نظم کنونی آیات در هر سوره است. زیرا سخن حکیم و تنظیم و تنسيق او بدون دلیل و حکمت نیست. از این روی، در آیاتی که با نگاهی گذرا و سطحی، ممکن است تناسب آن با آیات پیشین و پسین آشکار نباشد، نیاز به دقت و تدبری بیشتر است تا چیش حکیمانه و تناسب آنها کشف گردد. این مبنا، ضمن آنکه در فهم روشمند و ضابطه مند آیات و نیز کشف غرض هر دسته آیات یک سوره و غرض کلی سوره نقشی تعیین کننده دارد، پاسخ روشنی به پاره‌ای شبهات - همچون پراکندگی آیات در سوره و بی‌نظمی موضوعی و محتوایی آنها - می‌دهد؛ شبهاتی که غالباً از سوی مستشرقان مطرح می‌شود. تفسیر مورد بحث نیز به این مطلب توجهی ویژه داشته است. از جمله:

۱. ذیل آیه ۶۰ تصریح شده است: «هرگاه در قرآن، تقدیم و تأخیری در بیان دو مطلب یا اشاره به دو گروه باشد، به سبب اولویت و امتیازی است که در اولی وجود داشته است و این، به دلیل حکیمانه بودن چیش قرآنی است» (همان).

۲. در سوره توبه، از آیه ۱ تا ۱۶، مسئله برائت از مشرکان و تشویق به جهاد با پیمان شکنان مشرک بیان شده است. در آیات ۱۷ و ۱۸ به ظاهر موضوع بحث عوض می‌شود و ممنوع بودن مشرکان از ساختن مساجد و ویژگی‌ها و شرایط کسانی که مجاز به این کار هستند، بیان می‌شود. حال این پرسش مطرح می‌گردد که تناسب این حکم با موضوع آیات پیشین چیست؟ آیت الله خامنه‌ای با اشاره به این پرسش چنین پاسخ داده‌اند: «کفار قریش خود را والیان و وارثان کعبه می‌دانستند، زیرا خود را فرزندان بانیان کعبه، ابراهیم و اسماعیل، می‌دانستند و این حق را ویژه خود می‌پنداشتند. اسلام که ظهور کرد، مسئله خون و نژاد و برتری به واسطه آن را از میان برد. از این رو، در ادامه حکم برائت، در واقع این گونه امتیازات مشرکان را مردود می‌دانند.» (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۱، صص ۸۸-۹۲).

۳. در تفسیر آیه ۲۵ و ارتباط آن با آیه قبل، دو احتمال مطرح شده است. همچنین، ارتباط آن با

چند آیه قبلی چنین بیان شده: «این آیه یک حلقه و مطلبی است که زنجیره‌ای از مفاهیم را بیان می‌کند: عبارت از تشویق و تحریض مؤمنان به جهاد فی سبیل الله است؛ حلقه‌ای از این زنجیره، ترس بود، حلقه‌ای دیگر، همبستگی‌های انسانی و حلقه دیگر، همین ناامیدی در میان مردم. همچنین، ذکر جریان جنگ حنین در آیه، به عنوان مثال دانسته شده است.»

د. غرض مندی و اهداف سوره

از دیگر موارد برجسته در تفسیر، رویکرد نظام‌مند به متن قرآن است. ایشان نمی‌پسندند که افراد، آیات قرآن را به صورت جداگانه و بدون در نظر گرفتن ارتباط نظام‌مند آن‌ها با کل قرآن تفسیر کنند و غفلت بورزند از این نکته که هر آیه بخشی از یک نظام بزرگ و یکپارچه است.

تصویر کلی از این رویکرد سیستمی به قرآن کریم و تأکید ایشان بر درک قرآن به مثابه یک سیستم یکپارچه، در بیانات متعددی از ایشان دیده می‌شود. به عنوان نمونه، آیت الله خامنه‌ای در سال ۱۳۷۶ در سخنرانی با مسئولان کشور به مناسبت عید فطر فرمودند: «قرآن به معنای صرفاً تلاوت کردن و اعتقادداشتن نیست، بلکه قرآن مجموعه یک نظام اجتماعی است و دستورالعمل یک حیات سعادت‌مندانه است». توضیحات کامل‌تر را می‌توان در اثر «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» مشاهده کرد.

ایشان تأکید دارند که مسائل فکری اسلام باید به صورت پیوسته و در چارچوب یک کل منسجم و مرتبط با سایر بخش‌ها مطالعه شود؛ نه جداگانه و بی‌ارتباط، تا در نهایت از مجموع این اصول، طرح کلی دین به عنوان یک ایدئولوژی بی‌ابهام و متناسب با زندگی انسان به دست آید (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۶۷).

به عنوان مثال، سوره مجادله دارای یک غرض کلی و چند هدف یا بخش جزئی است. غرض اصلی و کلی این سوره، چگونگی مواجهه با سنت‌ها و آداب و نحوه نظام زندگی و روابط اجتماعی است. اهداف یا بخش‌های سوره عبارتند از: ۱. مسئله ظهار؛ ۲. مسئله نجوا؛ ۳. چگونگی نشستن در مجالس؛ ۴. چگونگی دوستی و دشمنی با دوستان و دشمنان خدا (همان: ص ۱۶).

ه. توجه به تناسب آیات

آیات قرآن از نظر معنایی به یکدیگر مرتبط هستند. اگرچه هر بخشی از آیات در سوره‌ای خاص

یا در زمانی معین نازل شده است، اما عبارات درون یک آیه، آیات درون یک سوره و حتی سوره‌ها با یکدیگر پیوستگی دارند و یک واحد بسیط را تشکیل می‌دهند که دارای «غرض واحد» است. توجه به این نکته در تفسیر آیات، مفاهیم و احکام نوین و تازه‌ای را به همراه می‌آورد که از جمله آن‌ها می‌توان به ارتباط معنایی درون آیه، ارتباط معنایی درون سوره و ارتباط موضوعی آیات سراسر قرآن اشاره کرد (مؤدب، ۱۳۹۸، ص ۲۶۵).

آیه ۳۰ سوره توبه به‌عنوان علت یا فلسفه آیه ۲۹ به‌شمار می‌آید. همچنین تناسب آیات ۳۸ و ۳۹ سوره توبه با آیه ۴۰ قابل توجه است؛ آیه ۴۰ هجرت پیامبر را به‌عنوان نمونه‌ای ذکر می‌کند که اگر شما همراهی نکنید، اقوام و مردم دیگری هستند که دین را یاری می‌کنند و در واقع شاهد و مثال روشنی برای آیات پیشین محسوب می‌شود (نسیم انقلاب، ۱۳۹۳، ص ۳۲).

آیت‌الله خامنه‌ای گاه ترتیب ذکر مطالب را دلیلی بر اهمیت آن‌ها دانسته‌اند؛ به‌عنوان مثال در ذیل آیه ۷۲ بیان کرده‌اند که در دو جمله با محتوایی مشابه، جمله دوم اهمیت بیشتری دارد: «جنات عدن» پس از «خالدین فیها» آمده است. به این ترتیب، جمله دوم نعمتی را یادآور می‌شود که بالاتر و برتر است و این ترتیب در بیان دلیل بر برتری آن است (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۴۴۳).

همچنین در سوره تغابن، آیه ۱۶ دلیل تأکید بر تقوا را ادامه و استنتاجی از دو سه آیه قبل دانسته‌اند؛ در آیات پیشین درباره مال و فرزند حقیقتی تلخ بیان شده است که گاهی برخی از فرزندان و همسران انسان دشمنان او هستند و همچنین مال و فرزند می‌توانند فتنه و امتحان باشند، اما معنای تقوای الهی این نیست که انسان از آن‌ها کناره‌گیری کند یا به دنبال آن‌ها نرود، بلکه منظور آن است که مراقب باشد از حد و خطی که خداوند برای او تعیین کرده، تخطی نکند (همان، ص ۱۷۰).

و. استعمال لفظ در اکثر از معنا

یکی از مبانی مهم تفسیری این است که آیا به طور کلی استعمال یک لفظ در بیش از یک معنا مجاز است؛ یعنی آیا متکلم می‌تواند از یک لفظ دو معنی متفاوت را به صورت «مشترک لفظی» اراده کند و آیا شنونده و مخاطب نیز می‌تواند سخن او را بر بیش از یک معنا حمل نماید؟ این پرسش به این دلیل مطرح می‌شود که در تفسیر برخی آیات، دو یا چند معنا ذکر شده است. زمانی که این معانی در قالب بیان مصادیق و تطبیق بر موارد باشد، مشکلی ایجاد نمی‌شود، اما هنگامی که دو یا چند

معنای کاملاً متفاوت ارائه شود، موضوع تحت قاعده مورد بحث قرار می‌گیرد. طبیعی است که اگر دیدگاه مفسر بر عدم جواز استعمال لفظ در بیش از یک معنا باشد، ناچار است یکی از معانی را انتخاب کند؛ اما اگر جواز چنین استعمالی پذیرفته شود، این محدودیت وجود نخواهد داشت. درباره این مسئله میان محققان اختلاف نظر وجود دارد: برخی استعمال لفظ در بیش از یک معنا را محال دانسته‌اند، عده‌ای امکان آن را پذیرفته ولی آن را خلاف متعارف دانسته و حمل آیات و روایات بر بیش از یک معنا را تجویز نکرده‌اند، و شماری دیگر آن را ممکن و مجاز دانسته و گاهی نشانه فصاحت و بلاغت گوینده دانسته‌اند؛ از آنجا که قرآن کریم در اوج فصاحت و بلاغت است، حمل آیه بر چند معنا را مجاز و مطلوب شمرده‌اند.

بررسی موارد متعدد نشان می‌دهد که در این تفسیر، مفسر بزرگوار مبنای اخیر را پذیرفته‌اند. به‌عنوان نمونه: معنای «المعذرون» در آیه ۹۰ سوره توبه هم به معنای معتذر و هم مقصر آمده است (همان، ص ۵۱۸).

تعبیر «انثاقلتم الی الأرض» در آیه ۳۸ سوره توبه دو معنا دارد؛ یکی دیر جنبیدن و تنبلی، و دیگری دل دادن به زندگی دنیا (همان، ص ۱۹۳).

عبارت «خلاف رسول‌الله» در آیه ۸۲ به معنای مخالفت با پیامبر و همچنین به معنی پشت سر (خلف) به کار رفته است (همان، ص ۴۹۰).

و در آیه ۱۰ سوره جمعه تعبیر «وابتغوا من فضل‌الله» به فضایل و نعمات الهی، هم شامل مادیات و هم معنویات دانسته شده است (همان، ص ۱۵۵).

ز. قرائت و حجیت آن

اسنادی که از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دست است، نشان می‌دهد که ایشان نکاتی مهم درباره قراءات قرآن بیان کرده‌اند. نکته اول آنکه ایشان معیار قرائت صحیح را «تواتر» و «اشتهار» دانسته و فرموده‌اند: تنها قرائتی که علاوه بر تواتر، اشتهار نیز دارد، قرائت «حفص از عاصم» است. حفص از عاصم یکی از قراء سبعة به شمار می‌رود (امام خاмене‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و معلمان دبیرستان علوم و معارف اسلامی شهید مطهری، ۱۳۶۸/۱۲/۲۷، <https://khl.ink/f/۲۲۷۹>).

رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره قراءات می‌فرمایند اختلافات موجود در قراءات عمدتاً ناشی

از تفاوت لهجه‌ها است و این اختلافات تأثیر چندانی در معانی ایجاد نمی‌کند (امام خامنه‌ای، تفسیر سوره حمد، جلسه سوم، ۱۳۷۰/۰۱/۲۱، khl.ink/f/40898).

ایشان همچنین پیرامون روایات «انزل القرآن علی سبعة احرف» و اختلاف قراءات توضیح داده‌اند که معمولاً در این موارد اعراب کلمات متفاوت است و اختلاف در حروف - مانند خواندن «حتی» به جای «عتی» - بسیار نادر است. حتی در مواردی که اختلاف در حروف رخ داده، الفاظ قریب‌المعنی‌اند؛ یعنی اگر حروف کلمه‌ای تغییر کند، این تغییر معنای کلمه را به ضد آن تبدیل نمی‌کند بلکه تفاوت معناداری ایجاد نمی‌شود. این توصیفی است که رهبر معظم انقلاب درباره اختلاف قراءات ارائه کرده‌اند.

ایشان همچنین می‌فرمایند قرائت‌های «ورش» و «قالون» - که دو نفر از قراء سبعة هستند - بیشتر در مناطق شمال آفریقا مانند لیبی، الجزایر و تونس رواج دارد و حتی قرائت ورش در مکتب‌خانه‌های این کشورها تدریس می‌شود، در حالی که قرائت حفص از عاصم در این مناطق کنار گذاشته شده است. با این حال، حضرت آقا تصریح می‌کنند که قرائت حفص از عاصم در جهان اسلام شناخته‌شده‌تر و مشهورتر است و از نظر اشتهار قابل مقایسه با قرائت ورش و قالون که در منطقه محدودی رواج دارد، نیست (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار قاریان قرآن کریم، ۱۳۷۰/۱۲/۲۷، khl.ink/f/2606). ایشان در دیدار قاریان قرآن همچنین می‌فرمایند: «من موافقم که برادران قرائت‌های دیگر - بخصوص قرائت ورش - را یاد بگیرند و بخوانند».

از تفسیر آیه ۷۳ سوره مبارکه به روشنی این نکته قابل استنباط است که از دیدگاه مفسر بزرگوار، قرائات غیر مشهور و غیر متواتر که تنها با خبر واحد ثابت می‌شوند، حجیتی ندارند و هرگز نباید در تحلیل معارف قرآنی و پاسخ به اشکالات، به آنها پناه برد. به‌ویژه در همان مورد تصریح شده است که کسی حق ندارد در نماز از چنین قرائت‌هایی استفاده کند. این مسئله زمانی برجسته‌تر می‌شود که روایت مربوط به قرائت ضعیف و مرسل باشد و محتوای آن با روایات دیگر و همچنین با تاریخ ناسازگار باشد. با این حال، نکته مهم دیگری نیز بیان شده که قرائت‌های قراء سبعة تواتر دارند - چنانکه مشهور نیز بر آن هستند - و به‌طور طبیعی حجیت دارند و می‌توان در تفسیر به آنها استناد نمود (نسیم انقلاب، وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۵۸).

قرائت در تفسیر می‌تواند تأثیر معنایی داشته باشد، مانند قرائت آیه ۲۲۲ بقره «یَطْهَرْنَ وَيَطَّهَّرْنَ»، آیه ۹۲ یونس «فَالْيَوْمَ نَنْحِيكُ بَدَنَكَ وَنَنْحِيكُ بَدَنَكَ» و آیه ۲۵۹ بقره «نَنْشُرُهَا وَنَنْشُرُهَا» (حجتی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۸).

در آیه ۱۰۰ سوره توبه «وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ» دو قرائت وجود دارد: اول اینکه «انصار» عطف بر «مهاجرین» شده و «سابقان» هر دو گروه را شامل می‌شود. طبق این قرائت که با قواعد نیز سازگار است، مهاجرین و انصار دسته‌ای واحد به شمار می‌آیند و معنا این می‌شود: «پیشروان و سرآغازان از مهاجر و انصار». قرائت دوم بین «مهاجر» و «انصار» فاصله می‌اندازد و «الْأَنْصَارِ» را عطف بر «السَّابِقُونَ الْأُولُونَ» می‌کند نه بر «الْمُهَاجِرِينَ». طبق این قرائت، مهاجرین گروه اول به شمار می‌آیند و انصار دنباله‌رو آنها هستند. این قرائت شاذ است و قرائت اول برتر شناخته شده است (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۵۶۰).

تواتر قرائات به دلیل واحد بودن راویان اثبات آن مشکل است یا قابل اثبات نیست، اگرچه اهل سنت قرائات سبعة را متواتر می‌دانند (بابایی، ۱۴۰۱، ص ۴۶). قطعاً این قرائات از نظر تواتر نیستند؛ نه اینکه خود این قاریان تواتری داشته باشند، زیرا برخی از این راویان چندین سال پس از قاریان متولد شده‌اند و نه اینکه از سوی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تواتری وجود داشته باشد. آن قرائتی از قرآن بر ما حجت است که تواتر آن از حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثابت شده باشد. از میان این قرائت‌ها، تنها قرائت حفص از عاصم تواتر دارد (بهجت‌پور، ۱۴۰۱، دوره آموزشی و پژوهشی اندیشه‌های خامنه‌ای).

بین تواتر اصل قرآن و تواتر قرائات تفاوت وجود دارد؛ اصل قرآن متواتر است اما تواتر قرائات ثابت نیست. حجیت قرائات به دلیل تواتر و شهرت آنها است و قرائت مشهور معتبر است؛ مانند آیه «جاهد الكفار و المنافقين نه بالمنافقين»، که این مسئله ربطی به حجیت قرائات ندارد.

براساس روایات شیعه، قرآن بر یک «حرف» و یک قرائت نازل شده است، نه بر هفت قرائت. حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام در روایتی می‌فرماید: «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الْأَخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ.» یعنی قرآن یکی است و از نزد یک خداوند یکتا نازل شده، اما اختلاف از سوی راویان به وجود آمده است.

این سخن تأییدی است بر نظر رهبر معظم انقلاب که در مواجهه با جریان‌های مختلف قرائت می‌گویند قرائت باید دارای تواتر و اشتها باشد. به عبارت دیگر، میان روایت‌های متعدد و احتمال وجود قرائت‌های مشهور دیگری که به دست ما نرسیده، باید دید کدام قرائت متواتر است و از میان متواترها، کدام میان مسلمانان شهرت یافته است.

اختلافات قرائتی که پس از تدوین قرآن و تلاش‌هایی از جمله توسط ابی‌بن‌کعب و عاصم شکل گرفته، اختلافات عمیقی نیست که فهم ما را از قرآن دچار ابهام یا مشکل کند. این اختلافات بیشتر در سطح لهجه‌ها و لحن‌هاست و تغییرات معناداری ایجاد نکرده‌اند که جای نگرانی باشد و این خود باعث آرامش خاطر ماست.

برخی بزرگان، مانند آیت‌الله معرفت رحمته‌الله، حدیث نزول قرآن بر «سبعه أحرف» را به گونه‌ای توجیه کرده‌اند که کاملاً با دیدگاه رهبر معظم انقلاب هماهنگ است. ایشان منظور از «حرف» را «لِبه» می‌دانند؛ مثلاً «السَّيْف» به معنای لبه شمشیر و «الجَبَل» به معنای لبه کوه است. در آیه شریفه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ»، منظور کسانی است که خدا را بر «لِبه» عبادت می‌کنند، یعنی وارد متن دین نمی‌شوند و تنها در ظاهر آن باقی می‌مانند؛ چنین افرادی اگر خیری ببینند عبادت می‌کنند و اگر مصیبتی ببینند از دین بازمی‌گردند.

بنابراین «حرف» به معنای کناره یا لبه است. آیت‌الله معرفت بیان می‌کنند ما یک زبان داریم که به متن کلمات و حروف می‌پردازد، و یک «حرف» داریم که نام آن لهجه است. اگر یک متن فارسی را به اقوام مختلف ایرانی بدهید، بلوچ، اصفهانی، کرد، لر، خوزستانی، مازندرانی و ترک با لهجه‌های متفاوتی آن را می‌خوانند و این امری طبیعی است.

عبارت «أنزل القرآن على سبعه أحرف» به همین معناست و نشان‌دهنده اختلاف لهجه‌ها در قرائت یک متن واحد قرآن است. اگر حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این روایت «سبعه أحرف» را فرموده‌اند، هرگز نگفته‌اند قرآن بر هفت قرائت یا هفت زبان نازل شده است. نزول قرآن بر سبعه أحرف یعنی نزول آن بر هفت لهجه، و عدد «هفت» در زبان عربی دلالت بر تکثیر و تعدد دارد.

پس ما می‌توانیم به هر لهجه‌ای که با آن زندگی می‌کنیم، قرآن را بخوانیم. رهبر معظم انقلاب

اسلامی نیز تأکید می‌کنند اختلاف لهجه‌ها اختلاف مهمی نیست و بنیه کلام را تغییر نمی‌دهد. بنابراین، هر کسی می‌تواند با لهجه خود قرآن را تلاوت کند و این اشکالی ندارد. انتخاب رهبر انقلاب در زمینه قراءات، قرائت «حفص از عاصم» است؛ زیرا این قرائت هم متواتر و هم مشهور است. همچنین ایشان معتقدند اجازه داریم متن عربی قرآن را به لهجه‌های مختلف بخوانیم و مردم نباید در هنگام تلاوت قرآن به تکلف بیفتند. قرائت متواتر و قرائت جمهور، قرائت حفص از عاصم است و این قرائت در نماز معتبر است و کسی نمی‌تواند به قرائت دیگری نماز بخواند. اگر این قرائت گفته «مالک‌الدین» و نه «ملک‌یوم‌الدین»، باید مطابق همین قرائت بخوانیم. این قرائت، قرائتی مشهور است.

در طول تاریخ، هیچ مصحفی میان مصاحف رسمی نوشته نشده که هم مقبول حکومت باشد و هم مقبول عموم مردم، مگر اینکه با قرائت حفص از عاصم بوده است (بهجت‌پور، ۱۴۰۱، دوره اندیشه‌های قرآنی خامنه‌ای، قرائات).

۳. قواعد تفسیری

الف. قاعده منع تفسیر به رأی

از آنجا که پیش‌تر به اهمیت قواعد تفسیر و نقش آن در فهم قرآن اشاره شد، قاعده منع تفسیر به رأی یکی از اصول مهم در تفسیر قرآن است که هر مفسری باید به آن پایبند باشد. واضح است که تفسیر به رأی به دلیل روایات فراوان و معتبر ممنوع است و مصداق بارز آن تحمیل نظر شخصی بر قرآن، بدون توجه به نصوص، ظواهر، و قرائن موجود در کلام الهی است.

آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر پایبندی به ظواهر و سیاق آیات و حفظ نظام تفهیم و تفاهم، از هرگونه تفسیر به رأی اجتناب کرده‌اند و در عین حال از برخی مفسرانی که به تحمیل نظر شخصی خود بر قرآن گرفتار شده‌اند، انتقاد نموده‌اند. نمونه‌هایی از این انتقادات عبارت‌اند از:

- در تفسیر آیه ۱۱۱ سوره توبه: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ»؛ برخی مفسران، «خرید جان و مال مؤمنین از سوی خدا» را به عبادات بدنی (مانند روزه) و مالی (مثل زکات) تعمیم داده‌اند؛ یعنی خرید جان را به همه عبادات بدنی نسبت داده‌اند، در حالی که ذیل آیه «يُقَاتِلُونَ...» به وضوح نشان می‌دهد چنین تعمیمی بی‌اساس و

مخدوش کننده مقصود اصلی آیه است. مفسر ضمن بیان این نکته، این تعمیم نادرست را نقد می‌کند. این نمونه به خوبی نشان می‌دهد که مفسر سیاق آیه را دلیل بر رد نظر دیگران دانسته است (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ص ۶۱۹).

- در تفسیر آیه ۷۲: ایشان معتقدند واژه «عدن» که در لغت به معنای ثبوت و جاودانگی است، در این آیه باید معنایی متفاوت داشته باشد تا با «خالدین فیها» در همان آیه تفاوت کند. ضمن نقل نظر مفسران که تفاوتی قائل نشده‌اند، می‌فرمایند: «این نظر به نظر ما از قرآن دور است و ممکن نیست خدا در مقام منت گذاشتن بر مؤمنان، دو چیز بیاورد که دومی حتی یک کلمه هم از اولی اضافه نداشته باشد... بنابراین نمی‌توانیم «عدن» را به معنایی که غالب مفسران گفته‌اند معنی کنیم.» (همان، ص ۴۴۱).
- ذیل آیه ۷۳: ایشان از کسانی که اصطلاح قرآنی «جهاد» را با معنای فقهی آن خلط کرده‌اند انتقاد کرده‌اند و توسل به قرائت‌های غیرمشهور برای رفع اشکالات ناشی از این خلط را «عذر بدتر از گناه» دانسته‌اند، زیرا معنای درست جهاد با مراجعه به خود قرآن روشن می‌شود (همان، ص ۴۴۵).
- ذیل آیه ۷۹: نظر برخی مفسران که «مطوعین» را به معنای افراد ثروتمند گرفته‌اند، ناسازگار با ظاهر آیه و مخالف تحلیل عقلی و معانی لغوی شناخته شده است. (همان، ص ۴۷۶)
از این نمونه‌ها چنین برداشت می‌شود که مبانی آیت‌الله خامنه‌ای در نقد نظرات دیگران عبارت است از: حفظ ظاهر آیه، توجه به سیاق، لحاظ آیات دیگر در قالب تفسیر قرآن به قرآن، توجه به روایات معصومین علیهم‌السلام، رد روایات مجعول و بی‌اساس، دقت در معانی لغوی و ادب عربی، توجه به تفاوت اصطلاحات قرآنی با اصطلاحات فقهی، تحلیل تاریخی حوادث صدر اسلام، رعایت اصول و مبانی دینی برگرفته از محکّمات آیات، تحلیل عقلی و نفی تکرار بی‌مورد در کلام الهی.

ب. سیاق

سیاق یکی دیگر از قواعد مهم در تفسیر قرآن است. سیاق در لغت به معنای اسلوب، روش، طریقه (معین، ۱۳۷۱، ص ۱۳۸۴)، راندن (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۴۷۱) و مانند آن آمده است. «سیاق کلام» به معنای اسلوب سخن و طرز جمله‌بندی است (معین، ۱۳۷۱، ص ۱۳۸۴). سیاق نوعی

ویژگی برای کلمه یا جمله است که بر اثر همراهی آن با کلمات و جملات دیگر به وجود می‌آید. سیاق، قرینه متصل لفظی محسوب می‌شود و در ظهور کلام و فهم معنای آن اثرگذار است. اصل قرینه بودن سیاق و تأثیر آن در معنای واژه‌ها و مفاد جملات، «یکی از اصول عقلایی محاوره است که در همه زبان‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد». با توجه به اینکه روش توجه به سیاق در فهم ظهور و معنای عبارات در عصر پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام معمول بوده است، نه تنها از سوی ایشان رد نشده، بلکه در برخی روایات نقل شده از آنان، آیات کریمه قرآن نیز به همین روش تفسیر شده‌اند (بابائی، ۱۴۰۱، ص ۱۲۷؛ شاکر، ۱۳۸۲، ص ۱۹۷).

۷۵

قرآن پژوهی

مبانی و قواعد تفسیری آیت‌الله خاмене‌ای

در تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای نیز از این قاعده به خوبی بهره‌برداری شده است؛ به گونه‌ای که گاه بر اساس آن یکی از احتمالات موجود در آیه انتخاب شده است، چنانکه در ذیل آیه ۱۳ سوره توبه آمده است (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۷۹). همچنین، آرای برخی مفسران به دلیل مخالفت با سیاق آیه نقد شده است؛ مثلاً در تفسیر آیه ۱۱۱ سوره توبه، خریدن جان مؤمنان به‌ویژه در بحث جهاد دانسته شده و تعمیم آن به همه واجبات بدنی، مخالف سیاق آیه شمرده شده است (همان، ص ۶۱۹). در ذیل آیه ۷۱ سوره توبه «سَيَرَحْمَهُمُ اللَّهُ» برخی مفسران رحمت را به رحمت اخروی یا بهشت حمل کرده‌اند، اما سیاق آیه دلالت بر این معنا ندارد (همان، ص ۴۳۳).

در آیه ۸۲ سوره توبه «فليضحكوا قليلا» برخی حکم تکلیفی صادر کرده‌اند، ولی سیاق آیه چنین معنایی را مردود می‌شمارد (همان، ص ۴۹۳). مفسر برای توضیح این موضوع مثال می‌زند که «وقتی کسی مرتکب عملی خلاف شود و خود آن را کار خوبی بداند، به‌منظور تنبه و آگاهی او گفته می‌شود: باید بنشین و تا آخر عمر گریه کنی! یعنی می‌خواهد بگوید ای منافقان! کم بخندید و زیاد گریه کنید؛ زیرا کاری کرده‌اید که سزاوار است کم بخندید و زیاد غمگین باشید.» این جمله، تسلیی ضمنی برای مؤمنانی است که در میدان جنگ حضور یافته و مشکلات دوری از خانواده و سختی‌ها را تحمل کرده‌اند و برای خدا دست از لذت‌های نفسانی کشیده‌اند. همچنین یادآوری می‌کند که اگر دشمنان لذت اندکی برده‌اند، عقوبت آنان در آخرت بسیار خواهد بود، ولی شما بسیار خواهید خندید و خوشی‌تان همیشگی است.

در آیه ۶۷ سوره توبه «الاعراب أشد کفرا و نفاقا»، واژه «أشد کفرا» از نظر سیاق «إلا يعلموا» که

اشاره به کمتر دانستن اعراب نسبت به شهرنشینان درباره حدود الهی دارد، به عنوان صفت تفصیلی تفسیر شده است نه صفت عالی و مطلق (همان، ص ۵۵۲).

در ذیل آیه ۵ سوره جمعه، در تبیین معنای «حملوا التورات» نظرات مختلفی از مفسران نقل شده است؛ برخی «حمل» اول را به معنای علم و تعلیم و «حمل» دوم را که در ادامه آمده به معنای عمل دانسته‌اند، اما این معنا خلاف سیاق آیه است. اگرچه مفسری این معنا را بر اساس سیاق مطرح کرده، ولی سیاق آیه هیچ دلالتی بر آن ندارد، بلکه به عکس دلالت می‌کند (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۸۲).

ج. قاعده جری و تطبیق

واژه «جری» در اصل به معنای «حرکت منظم و دقیق در طول مکان است، مثل جریان آب یا کشتی در دریا یا جریان خورشید» آمده است (مصطفوی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۷۷). واژه «تطبیق» نیز به معنای قرارداد چیزی بر چیز دیگر است، به طوری که آن را بپوشاند و با یکدیگر مساوی باشند. علامه طباطبایی پس از یادآوری این نکته که اصطلاح «جری» برگرفته از سخنان امامان معصوم است، به روایات مرتبط اشاره می‌کند و سپس در تعریف قاعده «جری» می‌نویسد: «این شیوه اهل بیت است که آیه قرآن را بر مواردی که قابل انطباق است تطبیق می‌کنند؛ اگرچه خارج از مورد نزول آن باشد» (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۸، ص ۲۵۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۱-۴۲).

در آیه ۱۱۲ سوره توبه واژه «سائحون» به معنای «سیرکننده» آمده است، اما به معنای «صائمون» نیز به کار رفته که این از نوع تطبیق است، زیرا در هر دو مورد تقویت اراده مورد نظر است. همچنین در آیه ۴۱ سوره توبه، جمله «انفروا خفافاً و ثقلاً» معنای کلی دارد و از مصادیق آن تجهیزات سبک و سنگین، سواره و پیاده، پیر و جوان است (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۲۱۷).

د. تأویل

کلمه «تأویل» از ریشه لغوی «اول» به معنای بازگشت به اصل شیء (صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۹۵) یا بازگشت به انتهای شیء (راغب اصفهانی، بی تا، ص ۲۷) است. یکی از مبانی مهم تفسیری که علامه معرفت به طور دقیق و علمی به تبیین و تحدید آن پرداختند، تأویل را به معنای «تبیین مفهوم عام هر آیه» دانسته‌اند که همان بطن در برابر ظُهر است (معرفت، ۱۴۲۷، ص ۳۳). مراد از تأویل در اینجا معنایی است که از روایاتی مانند «ظُهره تنزیله و بطنه تأویله یجری کما تجری الشمس والقمر»

استخراج می‌شود.

این مبنا به اختصار چنین است که هر آیه دو وجه دارد: تنزیل و تأویل. تنزیل، منظور در نظر داشتن تمام خصوصیات زمانی و مکانی نزول آیه، از جمله شأن نزول، مخاطب و گاه موضوع خاص در وقت نزول است. در مقابل، تأویل بدین معناست که لوازم و خصوصیات زمانی و مکانی همراه آیه و شأن نزول، از مفهوم آیه جدا شود و مفاد و پیام آیه استخراج گردد، سپس این پیام بر مصادیق موجود در هر عصر تطبیق یابد. تأمل در این تفسیر نشان می‌دهد که مفسر پیوسته از این مبنا بهره گرفته و به کشف پیام آیه و تطبیق آن بر موارد عصری پرداخته است.

در تفسیر آیه ۳۹ سوره توبه «وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ» هر قومی که خصلت عدم نفوذ و ثبات داشته باشد، سرانجام جایگزین خواهد شد؛ و تسلط معاویه بر جهان اسلام نمونه‌ای از این مفهوم است (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۲۰۱).

ذیل آیه ۳۴ سوره توبه، واژه «یکنزون» تنها شامل طلا و نقره نمی‌شود، بلکه خانه‌های گران‌قیمت، آسمان‌خراش‌ها، خودروهای لوکس و امثال آن را نیز در بر می‌گیرد (همان، ص ۱۵۹).

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که مفسران قرآن، با توجه به پیش‌زمینه‌های فکری و محیط جغرافیایی خود، از مبانی و قواعد تفسیری خاصی بهره می‌برند. در تفسیر مورد بررسی، مفسر مذکور نیز از مبانی و قواعد تفسیری رایج در میان مفسران شیعه استفاده کرده است، اما چون قرآن را جامع هدایت و دارای برنامه‌ای در همه عرصه‌ها می‌داند، این قواعد را با توجه به خود قرآن ذکر کرده و در موارد اختلاف نظر با دیگران، نظریه خاص خود را ارائه می‌دهد؛ این نکته وجه تمایز تفسیر ایشان نسبت به دیگر مفسران است.

از جمله مبانی تفسیری ایشان می‌توان به امکان و جواز فهم تفسیر قرآن، توقیفی بودن چپ‌نش آیات، توجه به غرض کلی سوره و دسته‌بندی آیات آن، استعمال لفظ در بیش از یک معنا، حجیت قرائات و قواعد منع تفسیر به رأی، تأویل، جری و تطبیق، و سیاق اشاره کرد.

منابع و مآخذ

❖ قرآن کریم.

۱. ابن فارس، احمد، ترتیب مقایس اللغة، تنقیح: سعیدرضا علی العسگری و حیدرالمسجدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش.
۲. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالاحیاء التراث، ۱۴۱۸ ق.
۳. بابایی، علی اکبر، روش شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ ش.
۴. بابایی، علی اکبر، قواعد تفسیر قرآن، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، چاپ پنجم، ۱۴۰۱.
۵. بوذری نژاد، یحیی؛ مریم توانای نامی، «روش شناسی تفکر اجتماعی آیت الله خامنه‌ای؛ با تأکید بر روش تفسیر اجتماعی قرآن»، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۱۱۶، ۱۳۹۷.
۶. بهجت پور، عبدالکریم، دوره آموزشی و پژوهشی اندیشه‌های قرآنی خامنه‌ای، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۰۱.
۷. حجتی، سیدمحمدباقر، اسباب النزول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی، تفسیر سوره تغابن، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱.
۹. _____، تفسیر سوره توبه، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱.
۱۰. _____، تفسیر سوره جمعه، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱.
۱۱. _____، تفسیر سوره مجادله، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
۱۲. _____، دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، www.farsi.khamenei.ir.
۱۳. خامه‌گر، محمد، ساختار هندسی سوره‌های قرآن؛ پیش‌درآمدی بر روش‌های نوین ترجمه و تفسیر قرآن، تهران: سازمان تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۱۴. خلف، علی، پایان‌نامه «روش شناسی و نگرش تفسیری امام سیدعلی خامنه‌ای؛ سوره توبه به‌عنوان الگو»، لبنان: حوزه علمیه رسول اکرم ﷺ، ۱۳۹۹.
۱۵. خواجه، زهرا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بررسی روش تفسیری خامنه‌ای»، دانشکده علوم قرآن قم، ۱۳۹۴.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۱۷. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ پنجم، ۱۳۹۱.

۱۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن (مبانی و قواعد تفسیر قرآن)، چاپ سوم، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۲.
۱۹. سبت، خالدبن عثمان، قواعد التفسیر جمعاً ودراستاً، قاهره: دار ابن‌عفان، ۱۴۲۶ق.
۲۰. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمان، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العربیه، ۱۴۲۱ق.
۲۱. شاکر، محمدرضا، مبانی و روش‌های تفسیری، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
۲۲. العک، خالد عبدالرحمن، اصول و مبانی تفسیر قرآن، حسینعلی ترکمان، همدان: مرکز نشر دانشگاه ابوعلی سینا، ۱۳۹۲.
۲۳. علوی مهر، حسین، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم: اسوه، ۱۳۸۱.
۲۴. امید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
۲۵. عینی‌زاده (موحد)، محمد؛ سیدرضا مؤدب، «نظام‌سازی در نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای»، مجله مطالعات قرآن و حدیث، ش ۲۱، ۱۳۹۶.
۲۶. فاکر میبدی، محمد، قواعد التفسیر لدی الشیعة والسنة، تهران: مرکز تحقیقات و الدراسات العلمیه، ۱۴۲۸ق.
۲۷. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد، ترتیب‌الکتاب‌العین، به‌کوشش: مخزومی و دیگران، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
۲۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۲۹. مهدی، سیددانیال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بررسی اجمالی بر مبانی و قواعد و روش‌های تفسیری آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای»، دانشگاه مجازی المصطفی، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۴۰۱.
۳۰. مؤدب، سیدرضا، تفسیر قرآن، قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۸.
۳۱. مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، سلسله جلسات استاد سیدعلی خامنه‌ای، مشهد: صهبا، مسجد امام حسن مجتبی علیه‌السلام، چاپ سی‌وهفتم، ۱۴۰۱.
۳۲. میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۳۳. نسیم انقلاب وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی، مروری بر مبانی و قواعد تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر سوره توبه، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۳.

